

**Course Title: Analytical Study of Contemporary Persian  
Literature**

**Ph.D. Session 2019 -2024**

**Course Code: 705**

**Credit Hrs :03**

## درباره ادبیات دوره مشروطه چه می دانید توضیح فرمایید

ادبیات دوره مشروطه، اعم از شعر و نثر، نقش بزرگی در فراز و فرود نهضت مشروطه ایفا کرده است. این ادبیات هم بر مشروطه و مشروطیت تاثیر گذاشت و هم از آن متاثر شد. رنگ و بوی به شدت سیاسی و بعضا اجتماعی این ادبیات به خوبی در آثار نویسندگان این دوره بازتاب یافته است. متن زیر نوشته‌ای تحقیقی از دکتر محمدجعفر یاحقی، استاد و محقق بزرگ ادبیات ایران است.

محمدجعفر یاحقی سال ۱۳۲۶ در فردوس خراسان زاده شد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهر فردوس گذراند. در سال ۱۳۴۵، به قصد ادامه تحصیل به مشهد رفت و در سال ۱۳۴۶ با رتبه اول در کنکور رشته ادبیات در دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته شد. پس از اتمام دوره لیسانس، در سال ۱۳۵۰ به عنوان رتبه اول در کنکور فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد پذیرفته شد. وی در سال ۱۳۵۴ با درجه ممتاز از پایان‌نامه خود دفاع کرد و به پیشنهاد دکتر غلامحسین یوسفی به عنوان مربی در بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی استخدام شد. در همان زمان وی در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران با رتبه اول پذیرفته شده و هم‌زمان با تدریس در دانشگاه فردوسی، در دوره دکتری دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. وی در سال ۱۳۵۹۹ از پایان نامه دکتری خود در دانشگاه تهران با درجه ممتاز دفاع کرد. در سال ۱۳۶۷ دانشیار شد و در سال ۱۳۷۲ به مرتبه استادی ادبیات فارسی ارتقا یافت. یاحقی از دی ماه ۱۳۸۱ مدیری تقطب علمی فردوسی‌شناسی و ادبیات خراسان را به عهده گرفته است.

در اینکه تقسیم‌بندی دوره‌های ادبی، دوره مشروطه را باید دنباله ادبیات کلاسیک فارسی به شمار آوریم یا آن را به مثابه درآمدی بر ادبیات معاصر فارسی قلمداد کنیم، یا اینکه از اساس برای آن حساب جداگانه‌ای باز کنیم، میان ادبیات‌شناسان توافقی نیست. در اینجا بحث بر سر استقلال یا عدم استقلال ادبیات مشروطه نیست، بیشتر باید به این امر پردازیم که ادبیات دهه‌های آخر حکومت ناصرالدین‌شاه تا اوایل عصر پهلوی، یعنی سالهای تکوین مبانی فکری مشروطه تا دو دهه پس از آن و مجموعاً حدود کمتر از نیم قرن ادب نزدیک به معاصر فارسی را به طور جداگانه بررسی کنیم. آغاز این ادبیات را زمانی باید به حساب آورد که جامعه ایرانی در پی آشنایی با فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به فکر احیای حقوق از دست‌رفته خود در زمینه اجتماعی برآمد و به دنبال یک رشته قانون‌خواهی‌ها و کشمکش‌های سیاسی، سرانجام موفق شد نوع حکومت دلخواه خود را که در آن دوره، حکومت مشروطه بود، برگزیند.

ادبیات منسوب به این دوران که «ادبیات مشروطه» خوانده می‌شود، متعاقب آشنایی پیشگامان تجددخواه با مظاهر تمدن جدید و با افکار و آثار نویسندگان و متفکران سده‌های 18 و 19 مغرب‌زمین، تدریجاً شکل گرفت و با آزادی‌خواهی و قانون‌طلبی پایه‌پا پیش رفت. آشنایی با غرب و مظاهر تمدن نوین که از زمان جنگ‌های روسیه تزاری با ایران در عهد حکومت فتحعلی شاه آغاز شده بود، تا اواسط حکومت ناصرالدین شاه پیامد ادبی خاصی که حاکی از تحولی عمده باشد، به همراه نداشت؛ اما پس از آن، پدیده‌های فرهنگی تازه‌ای مانند چاپ و روزنامه‌نگاری که پیش از آن بروز و نمودی جدی نداشت، در روشن کردن اذهان ادیبان و ایجاد تقاضاهای جدید مانند آزادی و قانون مؤثر بود.

با انتشار روزنامه و تأسیس دارالفنون (1268ق / 1851م) روند آشنایی ایران با جهان نوین رو به شتاب نهاد. رواج ترجمه به عنوان يك امر فرهنگی مهم و ترجمه آثار مهمی چون تاریخ «پترکبیر»، «شارل دوازدهم» و «اسکندر مقدونی» همگی از ولتر، و رمانهای تاریخی و علمی مانند «سه تفنگدار»، «کنت مونت کریستو» و «لویی چهاردهم» از الکساندر دوما، «تلماک» از فنلن، «روبنسون کروزوئه» از دانیل دوفو، «مسافرت‌های گالیور» از جاناتان سوئیفت و بالاخره «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» اثر جیمز موریه به ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، راه را برای آشنایی با بسیاری از مسائل مربوط به زندگی مغرب زمین باز کرد و سرانجام به شکل‌گیری حلقه‌های روشنفکری در ایران منتهی شد.

از دهه‌های پایانی سده سیزدهم/ نوزدهم پای تجددخواهی به ادبیات هم باز شد و نویسندگان پیشگام با نقد سنتی‌های ادبی گذشته، ضرورت تحول در ادبیات دیرین فارسی را خاطر نشان می‌کردند و ادبیات نوین مشروطه با ایده‌ها و نظریه‌های متفاوت با گذشته، از اینجا شکل گرفت. در این مسیر از کوشش‌های نویسندگانی مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده (متوفای 1295/1878)، میرزا ملکم‌خان (م 1326/1908)، میرزا آقاخان کرمانی (م 1314/1896)، زین‌العابدین مراغه‌ای (م 1328/1910) و عبدالرحیم طالبوف باید یاد کرد که در واقع با نظریه نوینی که در ادبیات مطرح کردند، با تکیه بر دو اصل ساده‌نویسی، بر ورود تفکر فلسفه اثباتی غرب در ادب فارسی نیز تأکید داشتند. به این ترتیب مقارن با اوج‌گیری نهضت مشروطه در ایران، ادبیات نوینی پا به عرصه وجود گذاشت که به دلیل مشخصه‌هایی که داشت، بعدها به «ادبیات مشروطه» نامبردار شد.

## اهمیت نثر

در ادبیات مشروطه نثر هم مانند شعر و شاید بیشتر از آن اهمیت پیدا کرد. پیدا شدن انواع جدید نثر مثل متون ترجمه، داستان، ادبیات روزنامه‌ای، رمانهای تاریخی و مانند اینها، اهمیت نثر را در این دوره بیشتر کرد. شیوه‌ای که در نثر سنتی فارسی به قائم‌مقام فراهانی (1252/1836) ختم می‌شد، یعنی نثر منشیانه و ادبی تقریباً با «منشآت» قائم‌مقام راه تازه‌ای در پیش گرفت که بنای آن بر سادگی و پرهیز از پیرایه‌های ادبی بود. این خصلت با فن ترجمه و روزنامه‌نویسی سازگاری بیشتری داشت و به علت حجم بالای این آثار در دوره قاجاری، با سرعت رو به گسترش نهاد و در آثار کسانی مانند محمدتقی خان سپهر ملقب به «لسان‌الملک» (1297/1880) و رضاقلی‌خان هدایت (1288/1871) دنبال شد. با این حال نثر امثال سپهر و هدایت را شاید نتوان به دوره مشروطه نسبت داد، هر چند که به عنوان بستر و زمینه‌پدایی نثر این دوره قابل ذکر است.

سادگی زبان و نزدیکی آن به گفتار، از طریق راهیابی اصطلاحات و واژگان گفتاری به نثر - که روزنامه‌نویسی و ترجمه مروج آن بودند - از ویژگیهای بارز این نثر به حساب آمده است. رواج مقاله و گزارش‌نویسی به شیوه فرنگی آن، بر این جریان تأثیر گذاشت و ساده‌نویسی را بیش از پیش ترویج کرد. به این ترتیب راه بر نثر ساده آثار و نوشته‌هایی از قبیل: «مسالك المحسنين» و «کتاب احمد طالبوف» یا «سیاحتنامه ابراهیم‌بیک» اثر حاج زین‌العابدین مراغه‌ای - که هر سه از کتابهای تأثیرگذار در اندیشه و زبان عصر مشروطه بودند - هموار شد؛ به ویژه که پیش از آن زبان نرم و داستانی فارسی در کتابهای دیگری از قبیل: «هزار و يك شب» عبداللطیف طسوجی و «امیر ارسلان نامدار» اثر نقیب‌الممالک نیز تجربه شده بود.



سفرنامه و خاطره‌نویسی هم از رهاوردهای ادبی دوره قاجاری و آستانه ادبیات مشروطه است. سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه یعنی «سفرنامه فرنگستان» و همچنین «سرگذشت سفر مکه» امین‌الدوله، روزنامه «خاطرات اعتمادالسلطنه» و «خاطرات حاج سیاح» از این قبیل است.

از رهاوردهای دیگر ادبی این دوره، نمایشنامه‌نویسی به شیوه جدید است که پیش از آن با ترجمه آثار مولیر (م 1673) و کارهای میرزا فتحعلی آخوندزاده آغاز شد و با آثاری نظیر «بقال بازی در حضور» منسوب به اعتمادالسلطنه و نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی و ملک‌خان دنبال گردید. نمایشنامه‌نویسی که در این دوره با اقبال مواجه شده بود، پس از استقرار مشروطه با آثار کسانی مانند مرتضی قلیخان مؤیدالممالک فکری (1337/1919) و احمد کمال‌الوزراء (1309/1892) ادامه پیدا می‌کرد و زمینه برای پدیدآمدن آثار جدی‌تر و فنی‌تری نظیر «جعفرخان از فرنگ آمده» حسن مقدم که در واقع باید در زمره نخستین آثار نمایشی فارسی به سبک کاملاً جدید و در زمره ادبیات معاصر فارسی بررسی شود، فراهم آمد.

از دیگر رهاوردهای ادبی این دوره، رو آمدن هنر طنزنویسی و گسترش آن است. این فن که از گذشته‌های دور در ادب فارسی به شکلی کاملاً فنی و تخصصی برای خواص ادامه داشت، در این دوره به هنری عام و مردمی بدل شد و سر از روزنامه‌ها درآورد و به همین دلیل توانست تأثیر شگرفی بر جریانهای سیاسی و فرهنگی عصر مشروطه بگذارد. بی‌گمان در این هنر باید «چرند و پرند» دهخدا را که در روزنامه «صوراسرافیل» منتشر می‌شد و همچنین طنزهای منظوم سید اشرف‌الدین گیلانی را که در روزنامه «نسیم شمال» رشت انتشار می‌یافت، در صدر همه مورد توجه قرار داد.

با گسترش اقدامات ادبی و فرهنگی که در آستانه نهضت مشروطه صورت گرفت و حرکت‌های ترقی‌خواهانه‌ای که امیرکبیر آغاز کرده بود، چهره فرهنگی جامعه ایرانی کاملاً تغییر کرد و برای تحول به يك مرحله نوین اجتماعی آماده شد؛ به‌ویژه که گروهی از تحصیل‌کردگان دارالفنون و فرنگ‌رفتگان به صورتهای مختلف به جریان نوگرایی اجتماعی و فرهنگی دامن می‌زدند و ضرورت آشنایی مردم را با پدیده‌های نو و مظاهر فرهنگ جهانی که با شتاب رو در ترقی داشت، بیش از پیش یادآوری می‌کردند.

روشنفکران و علماگروه روشنگران به دو دسته کوشندگان داخل و خارج تقسیم می‌شدند:  
از گروه کوشندگان داخلی رضا قلی‌خان هدایت، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (معروف به  
صنیع‌الدوله)، محمدطاهر میرزا، میرزا علی اصغر خان امین‌الدوله، یوسف خان  
مستشارالدوله و از گروه کوشندگان خارج از کشور که اغلب ناگزیر از جلای وطن شده  
بودند و فعالیت‌های سیاسی و روشنگرانه خود را در خارج از مرزهای ایران ادامه  
می‌دادند، از عبدالرحیم طالبوف، حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا ملک خان صاحب  
رساله‌های انتقادی و مدیران روزنامه قانون، آخوندزاده نمایشنامه‌نویس و انتقادگر معروف  
و بالاخره سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردش میرزا آقاخان کرمانی باید نام برد.

تأثیر علمای شیعه در حرکت‌های اجتماعی عصر اول قاجاری به‌ویژه با نظارتی که بر جناح‌های مذهبی و توده‌های مردم از جمله بازاریان به عنوان گردانندگان چرخ اقتصاد کشور داشتند، تقریباً مسلم بود. اگر کوشش‌های کسانی مثل سیدجمال، با پیام‌فرآگیری که در جهت دعوت کلیه ملت‌های مسلمان به اتحاد اسلامی داشت، و مقاومت میرزای شیرازی در واقعه رژی (تحریم تنباکو) در زمان ناصرالدین شاه را هم بر این بیفزاییم، می‌توان به تأثیر نیروهای مذهبی بیشتر پی برد. با این همه به نظر می‌رسد نهضت مشروطه پیش از آنکه پختگی لازم را پیدا کند، قدری زودتر از موعد به ثمر رسید و از همان آغاز با تندباد استبداد روبرو گردید. مظفرالدین شاه کمی پس از امضای فرمان مشروطه (1324ق/ 1906) به سال 1326 درگذشت و پسر مستبدش محمدعلی شاه که به حکومت روسیه وابسته بود، به جای وی نشست و اندکی بعد با مشروطه سر ناسازگاری گذاشت، به طوری که انقلابیون ناگزیر شدند با وی به معارضة برخیزند و او را از سلطنت خلع کنند و پسر نوجوانش احمد میرزا را به جای او به حکومت بردارند. عصر کشاکش سیاسی و زورآزمایی ملت با دولت برای رسیدن به آزادی و قانون را بعدها «عصر بیداری» نام نهادند.